



فرصت‌های

گفت‌وگو با بهرام دبیری به بهانه نمایشگاه جدیدش «آدم‌ها و افسانه‌ها» پیوندی سهل میان آدم‌ها و افسانه‌ها

«آدم‌ها و افسانه‌ها» آدم‌های بهرام دبیری است که با افسانه‌ها پیوند خورده است. پیوندی از نوع خطوط و نقاشی آن هم به شیوه ای که برخی استادان از آن به عنوان سهل و ممتنع یاد می‌کنند. شیوه‌ای که برای استادانی همچون سعدی شیرازی به کار برده‌اند و...

کام‌هایی برای بازسازی انقلابی و عقلانی ساختار فرهنگی کشور راه رسیدن به فرهنگ فاخر

عزمی برای «تحول در امور فرهنگی» در جامعه به‌وجود آمده است و دولتمردان و حاکمان در جهت حکمرانی مطلوب این سیاست را در پی گرفته‌اند که در مسیر تحول فرهنگی مطلوب گام بردارند. علاوه بر این، از ظرف مقام معظم رهبری، دستور تحول برای شورای عالی انقلاب فرهنگی، مأموریت و هداف این شورا قرار گرفت که می‌تواند این رویکرد را شتاب بیشتری بخشد.



عکس: ایرنا

روایتی از ماندن خواستن و بر قله‌های افتخار ایستادن

مریم شهبازی
خبرنگار

توجه به مکتوب کردن تاریخ شفاهی در کشورمان عمر چندانی ندارد، با این حال چندی است که شاهد ورود نویسندگان جوان به شاخه‌های تازه‌ای از آن هستیم. «سلول‌های بهاری» نوشته «بهنام باقری» از جمله آثاری است که در این حیطه جای می‌گیرد، گریزی به کارنامه علمی و فرازهایی از زندگی شخصی «دکتر حسین بهاروند»، پدر «علم سلول‌های بنیادی ایران» که با روایتی داستانی پیش روی خوانندگان قرار گرفته است. باقری این کتاب را نوشته تا جوانان بدانند می‌توان ماند، تلاش کرد و در همین آب‌و‌خاک بر قله‌های علمی ایستاد. او تأکید دارد مطالعه زندگی چنین دانشمندانی قادر است به سرمشقی انگیزه‌ساز برای نسل آینده تبدیل شود. باقری، بابت تألیف این کتاب موفق به دریافت جایزه بخش ویژه چهاردهمین دوره جایزه ادبی جلال شده است. نکات بیشتر درباره «سلول‌های بهاری» را در گفت‌وگویی با این نویسنده و محقق می‌خوانید.

■ «سلول‌های بهاری» کتابی در حیطه مستندنگاری، با بهره‌گیری از ادبیات و با روایتی داستان‌گونه است. در شرایطی که در عرصه‌هایی نظیر مستندنگاری جنگ تحمیلی هنوز با کارهای ناکرده زیادی روبه‌رو هستیم چطور به سراغ مستندنویسی علمی و بخش تازه‌ای از تاریخ شفاهی کشورمان رفتید؟

همان‌طور که شما هم اشاره کردید، ما همچنان در حوزه مستندنگاری دفاع مقدس و انقلاب با کارهای ناکرده بسیاری روبه‌رو هستیم. هرچند که در تألیف چنین آثاری نیز ضرورت بسیار احساس می‌شود. «سلول‌های بهاری» در حیطه ثبت تاریخ علمی کشورمان است اما همچنان در راستای همان اهدافی است که انقلاب‌مان بابت آن رخ داد. جدا از آنها نیست.

■ ارتباط این کتاب با انقلاب را از باب روایت پیشرفت‌ها در حیطه علمی می‌دانید؟

بله، اتفاقاً این یکی از تأکیدات اخیر رهبر معظم انقلاب است، اینکه روایت پیشرفت‌ها از کارهای واجب و چه‌بسا فوری است که باید مورد توجه اهالی کتاب هم قرار بگیرد.

■ چطور شد که سراغ تألیف کتابی درباره روند «تولید و توسعه دانش سلول‌های بنیادین» رفتید؟

حول و حوش سال ۹۵، شاید هم ۹۶ با جمعی از دوستان به این نتیجه رسیدیم که نیاز بسیاری به روایت پیشرفت‌هایی داریم که در کشورمان حاصل شده است. خب تا من نویسنده درباره اینها نویسم مردم چطور درباره‌شان باخبر شوند؟ اغلب مردم به‌رغم خدمات بی‌شمار دانشمندان کشورمان و پیشرفت‌هایی که رخ داده چیزی درباره اینها نمی‌دانند. خود من وقتی بارها پای صحبت با اقشار مختلف نشست‌ام این را متوجه شدم، حتی گاهی می‌پرسند انقلاب کردیم که چه بشود؟ از این‌جا بود که تصمیم به این کار گرفتیم، روایت پیشرفت‌های علمی با بهره‌مندی

از ادبیات. تلاش من و دیگر همکارانم بر این است که نشان بدهیم در عرصه جهانی چقدر حرف برای گفتن داریم و گرنه قبول دارم که در حیطه تاریخ شفاهی‌مان، بویژه درباره تاریخ دفاع مقدس هنوز کارهای زیادی بر زمین مانده است.

■ در مقدمه کتاب، بخشی از ضرورت تألیف این اثر را در ضرورت مواجهه با جنگ نرم خوانده‌اید، آثاری از این دست چقدر در خنثی کردن این قبیل اقدامات مؤثر هستند؟ تولیدات فرهنگی و هنری تأثیری

به مراتب بیشتر از انتشار مطالب خبری صرف دارند. این مسأله در چند سال اخیر که با حجم‌های زیادی در راستای هویت‌زدایی از جوانان‌مان روبه‌رو شدیم اهمیت بیشتری پیدا کرده است. خود من در دوران دانشجویی‌ام از دانشجویان نخبه، در این‌باره می‌شنیدم که پیشرفت را در مهاجرت می‌دانستند و باورش‌ان نمی‌شد اینجا هم می‌توان مدارح ترقی را طی کرد. آنهایی که این تفکر را در میان جوانان راستای تألیف چنین کتابی بروم در همین نهادینه کرده‌اند به دنبال خدشه‌دار کردن هویت ایرانی‌مان هستند. جنگ نرم از همین موارد شروع می‌شود و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود آسیب‌های زیادی را سبب می‌شود. یکی از اهدافی که سبب شد سراغ تألیف چنین کتابی بروم در همین موضوع بود، اینکه به‌نوبه خودم کاری کنم تا جوانان بدانند آنهایی که ماندند و تلاش کردند در همین آب‌و‌خاک به قله‌های علمی رسیدند. این یک واقعیت است که چه داخل مرزهای کشورمان و چه فراسوی آن باید کوشید و در غیر این صورت نمی‌توان انتظار وقوع اتفاقات مثبت را داشت.

■ با آنکه روایت کتاب داستان‌گونه است اما مضمون آن علمی است. از طرفی مصاحبه‌هایی که برای تألیف کتاب با «حسین بهاروند» پدر دانش سلول‌های بنیادین ایران انجام داده‌اید هم نیازمند دانش تخصصی درباره این حیطه هستند. تحصیلات دانشگاهی خودتان با زمینه موضوعی کتاب مرتبط است؟

نه، رشته تحصیلی من در حیطه علوم انسانی جای می‌گیرد. راستش خودم فقه و حقوق خوانده‌ام.

■ با توجه به ضرورت برخورداری‌تان از دانش کافی برای چنین مصاحبه‌ای، آن هم در شرایطی که رشته دانشگاهی‌تان کاملاً متفاوت بوده قدری از دشواری‌های انجام این سلسله مصاحبه‌ها و تألیف کتاب مذکور بگوئید؟

با توجه به نکاتی که خودتان اشاره کردید، انجام گفت‌وگوهای لازم برای تألیف «سلول‌های بهاری» بسیار دشوار بود. انجام مصاحبه‌هایی با مضمون علمی و تخصصی نیازمند اطلاعات خاصی است. وقتی بحث صحبت با یک دانشمند در میان باشد نمی‌توان به یک سری سوالات کلی اکتفا کرد. ناگزیر به مطالعه کتاب‌های زیادی درباره سلول‌های بنیادی بودم. این دنیای تازه و ناشناسی که خودم را در مواجهه با آن می‌دیدم بی‌اغراق هم نوعی

فرصت و هم تهدیدی برای من بود. با این حال نمی‌خواستم کم بیاورم. گذشته از مطالعه آثار مرتبط، حتی سراغ برخی استادان این رشته رفتم. با دانشجویان پژوهشگه رویان صحبت کردم، از آنان حتی درباره چگونگی تشکیل سلول‌های بنیادی پرسیدم و از این طریق موفق به تدوین سوالات قابل قبولی شدم. اغراق نیست اگر بگویم زمان زیادی را صرف مطالعه و مشورت با دانشجویان و استادان مرتبط با این شاخه علمی کردم.

■ بعد از اتمام و انتشار کتاب چه بازخوردهایی از فعالان این رشته داشتید؟
خوشبختانه با وجود تخصصی بودن مبحث کتاب، اغلب از این گفتند که «سلول‌های بهاری» هم نوشته‌ای قابل فهم برای عموم مردم شده و هم

فعلی دور از تصور باشد اما علم، در عرصه‌های مختلف همچون پزشکی با سرعت و صف‌ناپذیری در حال پیشرفت است. بنابراین عجیب نیست اگر بحث سلول‌های بنیادی را دانشی استراتژیک بدانیم. اگر برای کشورهایی همچون آمریکا مقدور بود مشابه محدودسازی دستیابی به دانش هسته‌ای، برای این عرصه هم بک شورای حکام دستیابی به سلول‌های بنیادی تشکیل می‌داد تا جز چند کشور خاص هیچ ملتی از این امکان بهره‌مند نشود.

■ چرا سراغ حسین بهاروند رفتید؟
«حسین بهاروند» هم از نظر جایگاه علمی در عرصه داخلی و هم در حیطه بین‌المللی از جمله دانشمندان شناخته‌شده است. البته علاقه چندانی به گفت‌وگو نداشت که اگر بخواهم



انتشار کتاب‌هایی نظیر «سلول‌های بهاری» که هم‌زمان به زندگی شخصی و حرفه‌ای دانشمندان کشورمان اشاره دارد تأثیر بسزایی به‌جای خواهند گذاشت. اینها جلوی فضای ناامیدی را می‌گیرند و برای نسل آینده انگیزه‌ساز خواهند بود

در عین اینکه از زیاد بودن مباحث تخصصی کتاب می‌گویند تأکید دارند که در نهایت موافقت کرد. درباره دکتر به هضم آن کرده است. هرچند که مضامین کتاب به‌سادگی هرچام‌تر از عنوان شده‌اند.

■ استفاده از روایت داستانی هم به این منظور بوده؟
بله، روایت داستانی به کمک اتفاقی واقعی آمده، سبک نگارش داستانی است اما خب، مضمون بدون هیچ محروم بوده و در نتیجه کوشش بسیار است که توانسته ایران را به قله‌های این دانش برساند.

■ در کنار درج کارنامه علمی دکتر بهاروند نگاهی هم به زندگی شخصی‌اش داشته‌اید، این از جهت شکستن فضای خشک مضمون و جلب‌توجه بیشتر

قرار گرفت؟
کار که تمام شد نتیجه نهایی را به دست خود دکتر بهاروند رساندم، در مباحث علمی تغییری ایجاد نکرد و مورد قبول وی بود. اما بخش‌هایی را به زندگی شخصی‌اش اضافه کرده‌ام درباره‌اش نپرسیده بودم. فصل هجدهم را به‌صورت نوشتاری در اختیارم گذاشت، برهه‌ای از زندگی وی که همسرش فوت می‌کند و...

■ در اغلب صفحات کتاب، نه تنها تصاویر مرتبط را آورده‌اید بلکه حتی برخی فرمول‌ها را هم درج کرده‌اید. نگران نبودید که این شیوه تألیف سبب محدود شدن کتاب به قشر محدودی از خوانندگان شود؟

نگران که بودم. راستش همین مسأله سبب شد در کنار ثبت فرازوفرودهای دستیابی دکتر بهاروند به این دانش، سراغ بخش‌هایی از زندگی شخصی‌اش هم بروم. نمی‌خواستم به قول شما کتاب تنها به قشر خاصی از خوانندگان محدود شود. اتفاقاً اهداف‌شان دارد؟

نگران که بودم. راستش همین مسأله سبب شد در کنار ثبت فرازوفرودهای دستیابی دکتر بهاروند به این دانش، سراغ بخش‌هایی از زندگی شخصی‌اش هم بروم. نمی‌خواستم به قول شما کتاب تنها به قشر خاصی از خوانندگان محدود شود. اتفاقاً اهداف‌شان دارد؟

■ در آخر سراغ جایزه جلال هم برویم، «سلول‌های بهاری» امسال موفق به کسب عنوان برگزیده بخش ویژه این رویداد ادبی هم شد. چه ویژگی خاصی در نوشته‌تان می‌بینید که در جلب‌توجه هیأت داوران موفق عمل کرده؟
نمی‌دانم. اما شاید به قول یکی از دست‌اندرکاران برگزارری این جایزه، آنچه سبب جلب نظر هیأت داوران شده تازه بودن موضوع آن باشد. در ارتباط با تاریخ شفاهی، همان‌طور که شما هم اشاره کردید عموم نویسندگان به سراغ جنگ و موضوعات مرتبط با دفاع مقدس می‌روند.

■ برگزاری جوایزی همچون جایزه «داسال» یا «کتاب سال» که دایره موضوعی گسترده‌ای را شامل می‌شوند چقدر در تشویق نویسندگان جوان به ورود در چنین عرصه‌هایی مؤثر است؟
به عقیده من از مهم‌ترین اثرات برگزاری جوایزی همچون جلال یا رویدادهای رقابتی مشابه، نقش تشویقی آنها در علاقه‌مندی نویسندگان جوان به ارائه کارهای باکیفیت‌تر است. حالا بماند که برخی از اینها قادرند یا در نظر گرفتن بخش‌های ویژه، نویسندگان را به‌سوی چنین آثاری نیز متمایل کنند. امیدوارم چه در خلال برگزاری جوایز بخش خصوصی و چه بخش دولتی شاهد تنوع موضوعی بیشتری باشیم تا آثار بررسی‌شده تنها به حوزه‌هایی نظیر داستان کوتاه یا رمان محدود نشود. اینکه من نویسنده بدانم که فرصتی برای بررسی و دیده شدن اثرم وجود دارد اتفاق مهمی است. امیدوارم در انتخاب داوران جوایز، بویژه در حیطه آثار علمی شاهد تخصص‌گرایی بیشتری باشیم.

آشتیانی» شروع کردیم. مصاحبه‌های آن را با همراهی دوستان و اطرافیان دکتر آشتیانی گرفتیم. کار تألیف آن را هم «محمدعلی زمانیان» انجام داد.

■ پروژه روایت پیشرفت‌ها تنها به این دو کتاب محدود می‌شود یا آن را با همراهی دیگر همکارانتان ادامه خواهید داد؟
اتفاقاً چند کتاب دیگر هم با همراهی مؤسسه فرهنگی-هنری «خاکریز» در مرحله تدوین هستند که موضوعات مختلفی را شامل می‌شوند. توضیحات مرتبط با این کتاب‌ها را که آنها هم با همراهی انتشارات «راه‌یار» روانه کتابفروشی‌ها خواهند شد بعدتر

رسانه‌ای خواهیم کرد.
■ در آخر سراغ جایزه جلال هم برویم، «سلول‌های بهاری» امسال موفق به کسب عنوان برگزیده بخش ویژه این رویداد ادبی هم شد. چه ویژگی خاصی در نوشته‌تان می‌بینید که در جلب‌توجه هیأت داوران موفق عمل کرده؟
نمی‌دانم. اما شاید به قول یکی از دست‌اندرکاران برگزارری این جایزه، آنچه سبب جلب نظر هیأت داوران شده تازه بودن موضوع آن باشد. در ارتباط با تاریخ شفاهی، همان‌طور که شما هم اشاره کردید عموم نویسندگان به سراغ جنگ و موضوعات مرتبط با دفاع مقدس می‌روند.

■ برگزاری جوایزی همچون جایزه «داسال» یا «کتاب سال» که دایره موضوعی گسترده‌ای را شامل می‌شوند چقدر در تشویق نویسندگان جوان به ورود در چنین عرصه‌هایی مؤثر است؟
به عقیده من از مهم‌ترین اثرات برگزاری جوایزی همچون جلال یا رویدادهای رقابتی مشابه، نقش تشویقی آنها در علاقه‌مندی نویسندگان جوان به ارائه کارهای باکیفیت‌تر است. حالا بماند که برخی از اینها قادرند یا در نظر گرفتن بخش‌های ویژه، نویسندگان را به‌سوی چنین آثاری نیز متمایل کنند. امیدوارم چه در خلال برگزاری جوایز بخش خصوصی و چه بخش دولتی شاهد تنوع موضوعی بیشتری باشیم تا آثار بررسی‌شده تنها به حوزه‌هایی نظیر داستان کوتاه یا رمان محدود نشود. اینکه من نویسنده بدانم که فرصتی برای بررسی و دیده شدن اثرم وجود دارد اتفاق مهمی است. امیدوارم در انتخاب داوران جوایز، بویژه در حیطه آثار علمی شاهد تخصص‌گرایی بیشتری باشیم.

■ در ارتباط‌بهبتر با مخاطبان به میان آمد، در تألیف چنین آثاری که باهدف انگیزشی و از سویی ثبت بخشی از تاریخ علمی‌مان خلق می‌شوند ادبیات به‌عنوان یک ابزار، چقدر به نویسنده در راستای دستیابی به هدف خود کمک می‌کند؟
هنر در هر شاخه‌ای که باشد ابزاری کارآمد در راستای ماندگار کردن چنین موضوعاتی به شمار می‌آید، در این بین ادبیات به گام‌نم قدرتمندتر از سایر هنرهاست چراکه ایستاده ماندن مشألی برای ساخت فیلم و خلق دیگر آثار هنری هم بشود.

■ کتاب دیگری هم با مضمون مشابه سلول‌های بهاری نوشته‌اید، کتاب «داستان رویان» که البته نویسنده آن فرد دیگری است و شما به‌عنوان محقق اثر در تألیف آن همکاری کرده‌اید. این کتاب هم در راستای همان پروژه تاریخ شفاهی پیشرفت و علمی بوده؟
بله، هم‌زمان با پروژه سلول‌های بنیادی، کار دیگری را هم درباره زندگی‌نامه زندیاد «سعید کاظمی